



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 30. No 2. Summer 2023

Received date: 2023.05.09

Acceptance date: 2023.07.19



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: 20.1001.1.15601986.1402.30.2.1.6

Qatar Brotherhood Foreign Policy Model; Historical Contexts, Tools and its Consequences

Mohammad Mahmoodikia^۱



Abstract

Given that Qatar, as one of the richest countries in the Arab world, with the support of the Muslim Brotherhood and under the influence of Brotherhood ideas, is an active and influential activist in security processes in the Middle East, on the one hand, also the influence of foreign policy orientations. On the security and national interests of the Islamic Republic of Iran, this study uses the process tracking method to provide an answer to the question of how the Brotherhood's Islamist model has affected Qatar's foreign policy action and what consequences this impact has on the cooperation model. Or is there a conflict in the Persian Gulf region?

The findings of this study indicate that the Qatari Brotherhood's Islamist discourse in the field of foreign policy, in addition to providing financial support, through media support through the Al Jazeera media group and the pursuit of the Qatari renaissance project, has been most prominent and this has led to There have been various consequences for regional order and security, such as the restriction and Arab siege of the country, the resurgence of Salafi jihadist Islamist groups, and the intensification of regional conflict patterns and trends.

Keywords: Muslim Brotherhood, Yusuf al-Qaradawi, Foreign Policy, Consequences, Islamism, Middle East.

^۱- Assistant Professor, Political Thought in Islam, Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revelation, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۰، شماره ۲، پیاپی (۱۱۲)، تابستان ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰,۱۰۰۱,۱,۱۵۶۰۱۹۸۶,۱۴۰۲,۳۰,۲,۱,۶

نوع مقاله: پژوهشی

الگوی سیاست خارجی اخوانی قطر؛

زمینه‌های تاریخی، ابزارها و پیامدهای آن

محمد محمودی کیا^۱



چکیده

با توجه به این که قطر به عنوان یکی از ثروتمندترین کشورهای حوزه عربی، تحت تأثیر اندیشه‌های اخوانی، کنشگری فعال و تأثیرگذار در روندهای امنیت‌ساز در منطقه راهبردی خاورمیانه به شمار می‌آید، و نیز تأثیراتی که سمت‌گیری‌های سیاست خارجی این کشور بر امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران دارد (مسئله تحقیق)، این پژوهش با استفاده از روش ردیابی فرایند (روش تحقیق)، به دنبال ارائه پاسخ به این پرسش است که الگوی اسلام‌گرایی اخوانی، چگونه کنش سیاست خارجی قطر را متأثر از خود ساخته و این تأثیرگذاری واجد چه پیامدهایی بر الگوی همکاری و یا تعارض در منطقه خلیج فارس است؟ (سوال تحقیق) یافته‌های این پژوهش حکایت از آن دارد که تسلط گفتمان اخوانی بر کنش سیاست خارجی قطر، موجب شده است تا این کشور از رهگذر حمایت از اسلام‌گرایی اخوانی، خود را در برابر تمینات سیاسی عربستان سعودی و نیز جاه‌طلبی‌های امارات متحده عربی صیانت نماید و از سوی دیگر، بتواند خود را به عنوان نماینده جدیدی برای اسلام‌گرایی در نظام بین‌المللی ارتقا بخشد تا از طریق سرایت‌شوندگی الگوی اسلام‌گرایی اخوانی، به تقویت قدرت نرم خود دامن زند. هرچند این الگوی کنش سیاست خارجی واجد تبعات و پیامدهایی برای این کشور و به تبع آن برای نظم و امنیت منطقه‌ای از طریق بازتولید الگوهای رقابت و تخاصم میان کشورهای منطقه بوده است. با این حال، منطق کنش سیاست خارجی قطر را می‌توان ترکیبی هوشمند از «عمل‌گرایی» و «اخوانی‌گرایی» در راستای منفعت‌طلبی حاکمان قطر دانست. (یافته تحقیق)

واژگان کلیدی: اخوان المسلمین، یوسف القرضاوی، سیاست خارجی، پیامدها، اسلام‌گرایی، خاورمیانه.

۱ - این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی نگارنده در پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی با عنوان «تأثیر

اخوانیسم بر سیاست خارجی قطر؛ چیستی، چگونگی و پیامدهای آن بر روند همگرایی و واگرایی منطقه‌ای» است.

۲ - استادیار گروه اندیشه سیاسی در اسلام، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

قطر به عنوان یکی از کنشگران ثروتمند و فعال در منطقه راهبردی خلیج فارس، می‌کوشد تا با تمایز بخشیدن خود از دیگر رقبای قدرتمند عربی، همچون عربستان سعودی و امارات متحده عربی، نماینده گفتمانی جدید در عرصه اسلام‌گرایی باشد تا از طریق آن مانع از سلطه هژمونی سعودی بر کشور خود شده و همچنین بتواند جاه‌طلبی‌های سیاسی خود را نیز جامه عمل بپوشاند. از همین رو، قطر با حمایت‌های رسانه‌ای، مالی و پشتیبانی از اسلام‌گرایان اخوانی، سعی در طرح‌ریزی یک بازی اخوانی در منطقه دارد. با این وصف، ادعاها در مورد تمایل قطر به اخوان‌المسلمین، اغلب بر سیاست خارجی این کشور متمرکز است. از همین رو، رهبران قطر به طور قطع تمایل خود برای پذیرش و حمایت از جنبش‌های اخوان که در طول بهار عربی به قدرت رسیدند را آشکارا اعلام کرده‌اند؛ لذا، کنش سیاست خارجی قطر تحت تأثیر گفتمان اسلام سیاسی اخوانی منجر به پیدایش برخی الگوهای همگرایی و واگرایی در منطقه خاورمیانه و به طور خاص زیرسیستم امنیتی خلیج فارس شده است.

با توجه به حمایت قابل توجه قطر از اخوانی‌ها و به طور آشکار، حمایت سویه‌مند از تحولات متعاقب بهار عربی در منطقه خاورمیانه، این پژوهش به دنبال بررسی نحوه تأثیرگذاری گفتمان اخوانی بر کنش سیاست خارجی قطر و نیز تأثیرات آن بر شکل‌گیری الگوهای همکاری و تعارض منطقه‌ای خاورمیانه است؛ لذا، با توجه به اهمیت بالای مسائلی چون: ۱. تحولات حادث شده در زیرسیستم امنیتی خلیج فارس، ۲. همجواری ایران با کشورهای عرب در این منطقه، ۳. تعارضات گفتمانی اسلام سیاسی شیعی با اسلام سیاسی حاکم در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با گرایش‌های سلفی، ۴. تأثیرگذاری عامل کنشگران بیرونی بر روند تحولات این منطقه، به طور مشخص حضور نظامی ایالات متحده آمریکا در این کشورها، ۵. حضور گاه رسمی و گاه غیر رسمی اما فعال رژیم صهیونیستی در این کشورها، به طور مشخص پس از امضای پیمان صلح ابراهیم میان اعراب و اسرائیل، ضروری به نظر می‌آید تا ماهیت کنش سیاست خارجی بازیگران این منطقه به دقت مورد بررسی‌های علمی قرار گیرد.

۱ - در مورد قطر ذکر این نکته ضروری است که با استناد به گزارش دفتر نمایندگی تجاری ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۲۱، دفتر تجاری رژیم صهیونیستی در ماه مه ۱۹۹۶ تأسیس شد، اما قطر در ژانویه ۲۰۰۹ در اعتراض به اقدام نظامی اسرائیل در غزه، دستور به تعطیلی آن داد (امری که بنا به ادعای برخی منابع رسانه‌ای، دیپلماتی اسرائیلی با درجه سفیر، مدیریت آن را به عهده داشته و در پوشش دفتر تجاری، عملاً مدت‌ها پیش از توافق‌نامه صلح ابراهیم، این کشور با اسرائیل روابط سیاسی و دیپلماتیک برقرار ساخته بود). با این همه و با وجود بسته شدن این دفتر، قطر همچنان به

اهداف و پرسش‌های تحقیق

با عنایت به این که قطر تحت تأثیر اندیشه‌های اخوانی، کنشگری فعال و تأثیرگذار در روندهای امنیت‌ساز در منطقه خاورمیانه به شمار می‌آید و همچنین سمت‌گیری‌های سیاست خارجی این کشور واجد تأثیرات بر امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران است، این امر بر ضرورت مطالعه پیوسته، روش‌مند و علمی ماهیت کنش سیاست خارجی این کشور صحنه می‌گذارد؛ لذا، این پژوهش به دنبال ارائه پاسخ به این پرسش است که الگوی اسلام‌گرایی اخوانی چگونه کنش سیاست خارجی قطر را متأثر از خود ساخته است و این تأثیرگذاری واجد چه پیامدهایی بر الگوی همکاری و یا تعارض در منطقه خلیج فارس می‌باشد؟

پیشینه پژوهش

ابراهیمی (۱۳۹۱) در پژوهشی با توجه به انقلاب‌های عربی سال ۲۰۱۱، به بررسی ارتباط اخوانی‌گرایی و سیاست خارجی قطر پرداخته و کنشگری قطر در عرصه سیاست خارجی را با اقتباس از گفتمان‌های اسلام سیاسی اخوانی، ترکیبی از کنش‌های عمل‌گرا و اخوانی‌گرا معرفی می‌کند. اختیاری و همکاران (۱۳۹۸) نیز با توجه دادن به تأثیرپذیری الگوی کنش سیاست خارجی قطر از گفتمان اسلام‌گرایی اخوانی، الگوی مطلوب کنش سیاست خارجی را به صورت ایجاد نوعی رابطه متعادل با ایران و البته بیشتر متعامل با عربستان می‌داند و حفظ منافع ملی این کشور را در گرو نزدیکی بیشتر به عربستان همراه با تأمین رضایت نسبی ایران در رقابت‌های منطقه‌ای معرفی می‌کند. حیدری (۱۳۹۹) در پژوهش خود به بررسی عواملی توجه داشته که به نحوی بر قبض و بسط روابط ایران و قطر تأثیرگذار بوده است؛ عواملی چون پیروزی انقلاب اسلامی، اندیشه صدور انقلاب، جنگ ایران و عراق، برداشت‌های متعارض از امنیت منطقه‌ای نزد دو کشور، حضور قدرت‌های بزرگ، سیاست تنش‌زدایی ایران و تغییر در هیأت حاکمه قطر. با این حال، سرخیل (۱۳۹۵)، سمت‌گیری سیاست خارجی قطر را برخوردار از نوعی تطور از کنش محافظه‌کارانه به نفوذ هوشمند معرفی می‌کند چنانچه قطر حوزه‌های جدید

تجارت با اسرائیل ادامه می‌دهد و به اسرائیلی‌ها اجازه ورود و بازدید از این کشور را می‌دهد. قطر به مسافران تجاری اسرائیلی که از قبل روادید خود را دریافت کرده باشند اجازه ورود به این کشور را می‌دهد. بنا به این گزارش، مدیر اجرایی جام جهانی قطر ۲۰۲۲ خاطر نشان کرده است که شهروندان اسرائیلی می‌توانند از حضور در رویدادهای جام جهانی فوتبال استقبال کنند (National Trade Estimate Report on Foreign Trade Barriers, 2021: 22).

دیپلماسی مانند دیپلماسی اقتصادی، رسانه‌ای، آموزشی و یا میانجی‌گری را فعالانه در پیش گرفته و برنامه‌هایی چون جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تسهیل فضای کسب و کار، رونق گردشگری، دستیابی به علم و تکنولوژی روزآمد و تصویرسازی بین‌المللی را در دستور قرار داده است. دانشور و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی تأثیرات گفتمان اخوانی قطر بر تحولات جهان عرب در بازه زمانی بهار عربی تا سال ۲۰۱۸ اقدام کرده‌اند و در صدد اثبات این مدعا هستند که قطر تحولات پسا بهار عربی را به‌مثابه فرصتی برای کاستن از تهدیدات منطقه‌ای و فعال شدن سیاست خارجی خویش قلمداد کرده و با ایجاد نظم نوین منطقه‌ای رهبری سیاست جهان عرب را از آن خود کند. با عنایت به ادبیات پژوهشی موجود، این پژوهش تمرکز خود را بر نحوه تأثیرگذاری گفتمان اخوانی‌گرایی کنش سیاست خارجی قطر بر امنیت منطقه‌ای خلیج فارس و نیز تبیین نسبت میان اخوانی‌گرایی با الگوی کنش سیاست خارجی قطر محدود کرده است.

روش پژوهش

در این پژوهش برای بررسی نحوه تأثیرگذاری اندیشه اخوانی بر کنش سیاست خارجی قطر و نیز پیامدهای الگوی اخوانی سیاست خارجی بر شکل‌گیری روندهای همکاری و منازعه در منطقه خلیج فارس از روش «ردیابی فرایند» بهره برده شده است. این روش تکنیکی است که در آن تحلیلگران کیفی تلاش می‌کنند که مکانیسم‌های علی‌ای را مشخص نمایند که متغیر تبیینی را به یک پیامد یا معلول پیوند می‌دهد تا انگیزه‌های رفتاری افراد یا دولت‌ها در فرایند تصمیم‌گیری را کشف و واکاوی نماید (George & McKeown, 1985: 57). تعاریف جدید و متأخرتر از این روش، آن را کاربردی‌تر ساخته‌اند چنانچه حسب یکی از این تعاریف، هدف از روش ردیابی فرایند مشخص کردن و باز کردن جعبه سیاه مکانیسم علی در زنجیره علت و معلولی بین متغیر مستقل و متغیر وابسته از طریق داده‌های کیفی است (George & Bennett, 2005: 21). «تحلیل واقعه - ساختار»، بهترین و بسط یافته‌ترین تلاش‌ها برای ترسیم نمودار صوری روایت‌پردازی‌های غیر صوری به شکل ردیابی فرایند می‌باشد (طالبان، ۱۳۸۷: ۹۱).

تاریخ‌نگاری حضور اخوان‌المسلمین در قطر

مطالعه پرونده اخوان‌المسلمین در قطر یکی از دشوارترین کارهای تحقیقاتی است که ممکن است متخصصان در امور این گروه اسلام‌گرا با آن مواجه شوند. چرایی این مسئله نیز به کمبود منابعی باز می‌گردد که از نخستین آثار ظهور اخوان در این کشور حکایت داشته باشد. مسئله دیگر مشکلات روشی است، چرا که اخوان‌المسلمین قطر اسناد خود را که بازتاب دهنده تجربیات ایشان در قطر است را منتشر نکرده‌اند؛ امری که می‌توانست بسیاری از موضوعات در سایه در تاریخ روابط خود با قطر را روشن نماید. علت دیگر در دشواری درک تجربه‌های اخوانی در قطر به فقدان وجود روایت امنیتی باز می‌گردد؛ این روایت کاملاً در رصد تجربه قطر با اخوان‌المسلمین غایب است (الصنایی، ۲۰۲۰). با این وصف، مصطفی عاشور، نویسنده مصری، تاریخ اخوان‌المسلمین در قطر را به سه مرحله به شرح ذیل تقسیم می‌کند:

مرحله نخست؛ در اواسط دهه ۱۹۵۰، اعضای اخوان مصری برای فرار از سیاست‌های سرکوب‌گرایانه جمال عبدالناصر به قطر مهاجرت کردند. بسیاری از آنها در بخش آموزش کار کردند و بر توسعه برنامه‌های درسی و در نتیجه نسل جدیدی از قطری‌ها تأثیر گذاشتند و در حالی که از حمایت خانواده آل ثانی نیز بهره‌مند شدند، امیدوار بودند موج ناسیونالیسم عرب را متوقف کنند.

مرحله دوم؛ در دهه ۱۹۷۰، قطری‌هایی که در دانشگاه‌های مصر تحصیل می‌کردند (از جمله جاسم سلطان، رهبر سابق اخوان‌المسلمین) پس از اتمام تحصیلات خود به قطر بازگشتند و مشتاق ایجاد یک سازمان بومی بر اساس مدل اخوانی بودند. با افزایش نفوذ اسلام‌گرایان، هواداران اصرار داشتند که یک گروه رسمی برای نظارت بر فعالیت‌های اخوان مورد نیاز است؛ به همین منظور، شعبه اخوان در قطر که در سال ۱۹۷۵ تأسیس شد.

مرحله سوم؛ اعضای اخوان سوریه در آغاز دهه ۱۹۸۰ به دنبال سرکوب رژیم حافظ الاسد به قطر آمدند. در طول این مراحل مختلف، گروه اخوانی‌ها تمرکز خود را در درجه نخست بر دعوت، مطالعه پر حجم شریعت، سازماندهی فعالیت‌های ورزشی و نیز ادغام در جامعه حفظ کردند. اخوان قطری همچنین میزبان مجموعه‌ای از فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی و ورزشی بودند. با این حال، سازمان

اخوان المسلمین قطر صرفاً به عنوان یک مرکز سازماندهی ضعیف و نسبتاً کوچک باقی ماند (Ashur, ۲۰۱۱).

مرحله چهارم؛ برخی نیز به موج دیگری از اقبال جریان‌های اخوانی به قطر اشاره دارند و معتقد هستند موج چهارم به تبعیدشدگان اسلامی از پادشاهی عربستان سعودی متعلق می‌شود که به سرکوب و تعقیب اسلام‌گرایان پس از حملات یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ باز می‌گردد (Abdel Errahim, 2017).

قطر و اخوان؛ چرایی همگرایی

دو حه بر این باور است که از روابط نزدیک خود با اخوان المسلمین سودهای زیادی می‌برد، زیرا اولاً و قبل از هر چیز دیگر، آنها تضمین می‌کنند که در عوض کمک در خارج از کشور در گسترش عمق استراتژیک این کشور کوچک، از طریق رسیدن نیروهای اخوان به قدرت، اخوان المسلمین در این کشور تلاشی برای اعمال سیاست نخواهند کرد؛ بنابراین، مقامات قطری انتظار دارند که به تدریج تحولات در بسیاری از کشورهای عربی در سطح اقتصادی و سیاسی به نفع چرخش دموکراتیک اسلامی قرار گیرد که این امر به توانمندسازی و تحکیم دموکراسی در این کشورها و در عین حال مهار آن در سرزمین خود (قطر) کمک می‌کند. در نهایت، قطر نیز مانند ترکیه قصد دارد خود را به عنوان میانجی اصلی بین اسلام‌گرایان و دشمنان آنها از جمله غرب قرار دهد که به آنها امتیاز ژئوپلیتیکی می‌دهد. در این زمینه، بخشی از اخوان قطر یک تغییر تاکتیکی را پذیرفته است. این تغییر برای انطباق و تغییر گفتمان به شیوه‌ای توافق‌آمیزتر بوده است؛ در حالی که با تمرکز بیش از حد بر قدرت نرم، تصویری نرم را ترویج می‌کند و این ایده که اخوان المسلمین نماینده «معتدل» و «دموکرات» در درون خانواده اسلامی در برابر جریان رادیکال و جهادی ضد دموکراتیک خواهد بود (Del valle, 2016). با این وصف، در زمینه علل همگرایی میان اخوان المسلمین و قطر، نظریات و فرضیات مختلفی وجود دارد که دو فرض در این بین بیشتر مورد توجه قرار داد:

فرضیه اول؛ آنچه از مجموع بحث‌های اخوان قطر به دست می‌آید این است که حاکمیت‌های سنتی و سلطنتی در کشورهای خلیج و کشورهایی از این دست سعی می‌کنند با استفاده از تبیین خوب اخوانی‌ها از نظام سیاسی اهل سنت، به نوعی خلأ مشروعیت خود را با ارتباط با اخوان تأمین و جبران کنند. در واقع، کشورهای خلیج فارس همیشه نگران رشد نیروهای سیاسی داخلی بوده‌اند؛ لذا رژیم‌های خلیج فارس این جریانات را نه تنها مخل مشروعیت خود نمی‌دیدند، بلکه به عنوان حرکاتی پوششی در جهت مشروعیت بخشی به نظام‌های سلطنتی خود مناسب می‌دیدند.

فرضیه دوم؛ برخی نیز دلیل ارتباط وثیق حاکمیت قطر با اخوان را اعتماد شیخ علی عبدالله آل ثانی - که در دهه ۱۹۵۰ حاکم قطر بود - به اخوانی‌ها می‌دانند. این اعتماد باعث شد موج اخوانی‌های متواری از انقلاب دهه ۱۹۸۰ سوریه و موج مصری‌های فراری از فضای سنگین مصر برای یافتن کشور امن، به قطر بروند. البته تلاش آنها برای تأثیرگذاری در فضای فکری قطر نتیجه داد و اکنون نسل نو حاکمیت قطری به اندیشه‌های اخوانی دل داده است. افرادی مانند عمر عبید حسنه^۱ (۱۹۳۵)، عبدالبدیع صقر^۲ (۱۹۱۵-۱۹۸۶)، عبدالمعز عبدالستار احمد^۳ (۱۹۱۶-۲۰۱۱) و احمد العسال^۴ (۱۹۲۸-۲۰۱۰) همگی از تأثیرگذاران دهه ۱۹۵۰ میلادی در قطر هستند.

به هر حال هر فرضیه‌ای را بپذیریم، اخوان قطر با حاکمیت روابط خوب و البته مرموزی و مبهمی دارد. اخوانی‌ها توانسته‌اند اعتماد حاکمیت را به خود جلب کنند، به طوری که در قطر دانشکده شریعت تأسیس کرده و به راحتی فقه مورد قبول خود را ترویج می‌دهند؛ بسیاری از کادر فکری و آموزشی قطر

۱ - صاحب آثار علمی متعدد در حوزه فقه، اخلاق، تمدن و دعوت همچون: «فقه الدعوة؛ ملامح و آفاق»، «مراجعات فی فکر و الدعوة و الحركة»، «الاعمال الفکریة الكاملة»، «قیم لتعارف الحضارات»، «حتى يتحقق الشهود الحضاری»، «الشاکلة الثقافية»، «العلوم؛ فرص و تحدیات»، «من فقه الاستطاعة»، «الخطاب الغائب»، «قوة الثقافة»، «من فقه التغير»، «فی النهوض الحضاری»، «مع القرآن»، «تأملات فی الثقافة و الدعوة و السياسة» و

۲ - صقر به عنوان یکی از برجسته‌ترین رهبران و شخصیت‌های اخوانی در سال ۱۹۳۶ به توصیه محب‌الدین الخطیب به قطر مهاجرت کرد. برخی از تألیفات وی عبارت هستند از: «الاخلاق للبنات»، «التجويد و علوم القرآن»، «رحلة الحج»، «الوصايا الخالدة»، «مختارات الحسن و الصحيح من الحديث الشريف»، «نساء الفاضلات»، «التربية الاساسية للفرد المسلم»، «حديث الى دعاة الاسلام»، «شاعرات العرب».

۳ - از اعضای اتحادیه جهانی علمای مسلمان و از حامیان بنام اخوان در مصر و قطر و نخستین فردی که توسط حسن الابناء از اخوان به فلسطین فرستاده شد و صاحب تألیفات مختلفی در حوزه‌های مطالعات اسلامی است که برخی از آن عبارت هستند از: «اقترب الوعد الحق یا اسرائیل»، «الجهاد»، «العروبة و الاسلام» و

۴ - از چهره‌های برجسته اخوان‌المسلمین و متخصص در زمینه فرهنگ اسلامی و دارای سوابق طولانی در تدوین برنامه‌های آموزشی اسلامی، دکتری خود را در زمینه فقه در سال ۱۹۶۸ از انگلستان دریافت کرد و تألیفات مختلفی در زمینه مطالعات اسلامی دارد. برخی از آثار علمی وی عبارت هستند از: «حركة الفكر الاسلامی المعاصر خلال القرن العشرين»، «العلمانية؛ حقیقتها و اهدافها»، «الاسلام بین شبهات الضالین و اکاذیب المفترین من علماء الازهر»، «الفتاوی: يستفتونک...؟».

را اخوان تعیین و یا پیشنهاد می‌کند و به راحتی جامعه قبیله‌ای و سنتی قطر را در اندیشه‌های خود هضم می‌کنند؛ لذا می‌توان این گونه نیز استنتاج کرد که قطر در اندیشه اخوان محصور و مدغم شده است.

ابزارهای اخوانی در خدمت سیاست خارجی قطر

اخوان‌المسلمین طی دهه‌های گذشته با تکیه بر حمایت‌های بی‌دریغ دولت قطر توانسته است طیف وسیعی از نهادسازی‌های فرهنگی، آموزشی و رسانه‌ای را سامان دهد.^۱ با این حال هر چند فعالیت‌های آموزشی همچون تأسیس مدارس، دانشکده‌ها و دانشگاه‌های اسلامی، بازوهای قدرت نرم اخوان در این کشور و ابزار اصلی بازتولید گفتمان اسلام‌گرایانه ایشان تلقی می‌شود، اما به صورت ملموس تأثیر چندانی بر سمت‌گیری سیاست خارجی قطر ندارند. در این بین، شبکه ماهواره‌ای الجزیره و نیز پروژه رنسانس قطری (مشروع النهضة القطری) بیشترین نمود را در عرصه سیاست خارجی داشته است که در ادامه مروری بر آنها خواهیم داشت:

- تأسیس شبکه ماهواره‌ای الجزیره

در زمینه حمایت‌های قطر از اخوان می‌توان چنین اظهار کرد که قطر برای مهاجران اخوان، انواع حمایت‌های مراقبتی، پشتیبانی و رسانه‌ای را فراهم کرده است. با این حال، حمایت رسانه‌ای ابزار قدرتمندی را در اختیار رهبران اخوان گذاشته است. در این زمینه، یوسف القرضاوی (۱۹۲۶-۲۰۲۲)، نشانه‌های زیادی از حمایت‌های دولت قطر را با خود همراهی کرده است؛ وی که اتحادیه بین‌المللی علمای مسلمان را تا پایان عمر اداره می‌کرد و ریاست بسیاری از ساختارهای مرتبط با اخوان‌المسلمین در اروپا را بر عهده داشت، از طریق برنامه تلویزیونی خود به مرکز دادخواهی و فتوا تبدیل شد و از قطر به شهرت جهانی دست پیدا کرد.

قطر با میزبانی از شیخ یوسف القرضاوی، رهبر اخوان‌المسلمین مصر و همچنین با تأسیس شبکه ماهواره‌ای الجزیره و راه‌اندازی وبسایت‌های «اسلام آنلاین» و «اسلام وب»، به «مرکز تولید رسانه‌ای برای مسلمانان عرب زبان» تبدیل شده است (Graf, 2007: 406-407). برنامه «شریعت و زندگی» که

۱ - تأسیس مراکزی چون دانشکده شریعت و مطالعات اسلامی، دانشگاه مجازی اسلامی، دانشکده مطالعات اسلامی دانشگاه حمد بن خلیفه، مرکز گفتگوهای آمریکایی - اسلامی، اتحادیه جهانی علمای مسلمان، مرکز اعتدال و نوآوری اسلامی قرضاوی، جایزه بین‌المللی شیخ یوسف القرضاوی برای مطالعات اسلامی، و... تنها بخشی از اقدامات اخوان در راستای توسعه عمق نفوذ خود در قطر و دیگر جوامع اسلامی است.

سالیان مدید از الجزیره پخش می‌شد، شیخ قرضاوی را به یک ستاره جهانی تبلیغ اسلامی تبدیل کرد. وی با شرکت در برنامه‌های دوره‌ای تلویزیون ماهواره‌ای الجزیره به شهرت خود دامن می‌زد. برنامه هفتگی «الشریعة و الحیاء» تأثیر زیادی - به‌ویژه روی جوانان - داشت. هر چند قرضاوی با سؤالات و انتقادهای برخی جوانان مواجه می‌شد، اما وی از خلال برنامه‌های مستمر توانست خط فکری معتدل و متسامح را در رویارویی با افراط و تفریط یا سهل‌انگاری و سخت‌گیری به وجود آورد.

در مورد الجزیره (در واقع «گروه الجزیره» که مالک چندین کانال مکمل است) که نماد رسانه‌ای واقعی قدرت نرم قطر است، می‌توان به‌عنوان جدیدترین، کارآمدترین و مدرن‌ترین رسانه بین‌المللی عرب نام برد که برای سال‌ها از جاه‌طلبی‌های سیاسی اخوان‌المسلمین در اکثر کشورهای عربی، به جز در خود قطر، حمایت کرده است؛ رسانه‌ای که با تأسی از ساختار و نیز منطبق بر آموزش بنگاه خبرپراکنی بریتانیا، بی‌بی‌سی، توانسته است الگویی موفق از کنش رسانه‌ای در سطح بین‌المللی را به نمایش بگذارد؛ لذا، در برابر این حمایت‌ها، اخوان‌المسلمین مجبور شده است در ازای حمایت همه جانبه دوحه، از مداخله در امور داخلی قطر دست بکشد (Del valle, 2016). با این حال، در زمینه تسلط سیاست‌های اخوانی‌ها بر شبکه الجزیره، در دوره زمانی تحولات پسا بهار عربی تا کنون، به واسطه حمایت‌های این شبکه از اخوان‌المسلمین در مصر و یا در قبال تحولات سوریه، اعتراضات مختلفی را در میان خبرنگاران این رسانه و یا برخی از نخبگان عربی به وجود آورده است.

- پروژه رنسانس قطری

ابتکار منحصر به فرد دیگری که در زمینه ترویج اسلام‌گرایی اخوانی وجود دارد، پروژه رنسانس قطری است؛ مقامات قطر تصمیم گرفتند تا پروژه رنسانس را با هدف گسترش ایدئولوژی اسلامی و سازماندهی سمینارها و کنفرانس‌ها در کشورهای اسلامی تأسیس کنند و برای این منظور مدیریت این بخش را به جاسم سلطان^۱ (۱۹۵۳ م.)، ناظر اخوان‌المسلمین در قطر سپردند. وی جوانان را از سراسر

۱ - وی صاحب تألیفات مختلفی است که برخی از آنها عبارت هستند از: «التفكير الإستراتيجی الخرج من المأزق الراهن مشروع النهضة سلسلة أدوات القادة»؛ «من الصحوة إلى اليقظة إستراتيجية الإدراك للحراك مشروع النهضة سلسلة أدوات القادة»؛ «كتاب قوانين النهضة القواعد الإستراتيجية فى الصراع والتدافع الحضارى مشروع النهضة سلسلة أدوات القادة»؛ «فلسفة التاريخ الفكر الإستراتيجی فى فهم التاريخ مشروع النهضة سلسلة أدوات القادة»؛ «قواعد فى الممارسة السياسية مشروع النهضة سلسلة أدوات القادة»؛ «التراث وإشكالياته الكبرى نحو وعى جديد بأزمتنا الحضارية»؛ «لحظة

جهان برای آموزش برنامه‌ریزی راهبردی و نفوذ به دوحه دعوت می‌کند. مشابه سمینارهای «جامعه باز» جورج سوروس، از جوانان اروپایی که در آموزش خصوصی اسلامی شرکت می‌کنند (۳۵ مؤسسه در فرانسه) برای شرکت در این سمینارها دعوت می‌شود. دوحه از این راهبرد جهانی اخوان المسلمین و از نهاد اصلی آن، مؤسسه رنسانس، حمایت می‌کند (Del valle, 2016).

یکی از ادله‌ای که تصمیم اخوان به انحلال سازمان را توجیه می‌سازد، اجرای پروژه النهضة است، چرا که حکومت قطر از طریق حمایت از مراکز حمایتی تابعه اخوان المسلمین و به طور خاص شاخه مادر اخوان المسلمین در مصر، خود را با آموزه‌های اخوان تطبیق داده و آن را به دیگر کشورهای اسلامی گسترش می‌دهد. در این زمینه شایان ذکر است که طرح پیشنهادی اخوان المسلمین در مصر به‌عنوان مبنایی برای مبارزات انتخاباتی، در ابتدا النهضة نام داشت که علی‌رغم عقب‌نشینی بعدی آنها و تکذیب نسبت به نام‌گذاری این نام برای پروژه انتخاباتی خود، نتوانستند خود را از آن مبری سازند.

در همین راستا، مرکز جاسم سلطان از اکثریت رهبران اخوان المسلمین در مصر استقبال کرد. آنها به صورت روش‌مند در سازمان‌های دموکراتیک بدون اعتماد و صرفاً با هدف تحمیل خود به جامعه یا اعمال نفوذ بر جامعه، آموزش دیده بودند. حمایت و ارتقای آنها توسط ناظر کل اخوان المسلمین در قطر و نیز از جانب مشهورترین عضو اخوان، هشام مرسی، پزشک کودکان و دارای تابعیت بریتانیایی، انجام پذیرفت. او داماد یوسف القرضاوی و بنیان‌گذار مؤسسه التغيير است. هشام مرسی نقش مهمی در انقلاب کانون الثانی ۲۰۱۱ ایفا کرد، زمانی که اخوان تصمیم گرفت به تظاهرات کنندگان بپیوندد. از جمله آنها، علی الصلابی (۱۹۶۳ م.)، کسی که واشینگتن‌پست او را معمار مسئول در ساختار نظام جدید پسا انقلاب در لیبی یاد می‌کند. او که چندین سال در قطر زندگی کرده و یکی از برجسته‌ترین شاگردان

الإقلاع وتساؤلات المرحلة مشروع النهضة سلسلة أدوات القادة؛ «قوانين النهضة القواعد الإستراتيجية في الصراع والتدافع الحضاري»؛ «أزمة التنظيمات الإسلامية الإخوان»؛ «أنا والقرآن محاولة فهم»؛ «أنا والقرآن (سورة آل عمران)».

۱ - وی درجه دکتری خود را در رشته مطالعات اسلامی با تألیف «فقه التمکین فی القرآن الکریم» از دانشگاه أم درمان الإسلامية در سودان در سال ۱۹۹۹ م. به دست آورد. از مهم‌ترین تألیفات وی می‌توان به کتاب‌های ذیل اشاره کرد: «عقیده المسلمین فی صفات رب العالمین»؛ «الوسطیة فی القرآن الکریم»؛ «السيرة النبویة عرض وقائع و تحلیل أحداث»؛ «الانشراح ورفع الضیق فی سيرة أبي بكر الصديق شخصيته و عصره»؛ «أسمى المطالب فی سيرة أمير المؤمنين علی بن أبي طالب»؛ «سيرة أمير المؤمنين خامس الخلفاء الراشدين الحسن بن علی بن أبي طالب».

یوسف القرضاوی به شمار می‌آید، به طور آشکار اعتراف کرده که در آغاز شورش لیبی از مقامات قطری کمک گرفته است (Abdel Errahim, 2017).

حمایت قطر از اخوان‌المسلمین یک حمایت مطلق است. این به معنای همراهی اخوان‌المسلمین از آغاز تا پیروزی در انتخابات در کشورهایی که از رأی دادن برای تداوم قدرت استفاده می‌کنند و یا پشتیبانی لجستیکی، مهمات و سلاح برای کسانی که به مبارزه مسلحانه متوسل می‌شوند، می‌باشد.

تأثیرات کنش سیاست خارجی قطر بر فرایند همگرایی و تعارض در منطقه خاورمیانه

- سیاست خارجی اخوانی ابزاری برای تمایزگذاری گفتمانی با عربستان سعودی

هر چند امیر قطر رسیدن به دموکراسی واقعی و کنار گذاشتن فعالیت افراط‌گرایانه را به‌عنوان دلیل حمایت این حکومت از اسلام‌گرایان بیان کرده، اما واقعیت این است که قطر قصد دارد در مقابل هژمونی عربستان در گذشته و محور نظم لیبرال امروز در منطقه، یعنی سعودی و امارات بایستد و همچنین در سطح داخلی و منطقه‌ای در گفتمان سعودی هضم نشود، از همین رو، نیازمند یک وجه ممیز و گفتمان اختصاصی در سطح داخلی و منطقه‌ای است؛ بنابراین با پیش زمینه مذهبی سلفی که قطری‌ها داشتند، تلاش کردند با حمایت‌های مالی و معنوی از اسلام‌گرایان و پناه دادن به آنان، به‌ویژه اخوانی‌ها راه بسط نفوذ وهابیت عربستانی به ساختار قدرت خود را سد کرده، نظام آموزشی و مدیریتی مستقل از سعودی برای خود تعریف کرده و با قرار گرفتن در مرکزیت محور اسلام‌گرا در سطح منطقه‌ای و حتی فرا منطقه‌ای گفتمان خاص خود را ترویج و تکثیر نمایند؛ چرا که حمایت از اخوان به معنای حمایت از تشکیلاتی بود که حتی تا عمق جهان غرب نفوذ داشت، بنابراین قطر به دست درازی در سطح منطقه و حتی فراتر از آن تا جهان غرب دست یافت و به این ترتیب از مدار دیپلماسی عربستان خارج شد و این اقدام باعث شد اعراب منطقه با قطر به‌عنوان یک کشور مستقل تعامل کنند و لذا، حضور اخوان، مقدمه‌ای برای دستیابی قطر به همه این خواسته‌ها بود (Roberts, 2014).

توجه به این نکته نیز ضروری است که قطر سابقه درگیری حکومتی و جریان‌های سنتی مذهبی سعودی با اخوان را در کارنامه خود نداشته است و از طرفی تفکر اخوانی و نوسلفی نیز محبوبیت بیشتری نسبت به سلفیت وهابی عربستان در میان مردم و روشنفکران منطقه دارد، لذا قطر برد خود را در حمایت از اخوان می‌دید.

- سیاست خارجی اخوان به مثابه ابزاری برای گفتمان سازی رقیب در منطقه

با به قدرت رسیدن حمد بن خلیفه آل ثانی - امیر پیشین قطر در دوره زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۳ - بهره گیری از اعضای اخوان در قطر افزایش یافت و دولت همراهی بیشتری در بعد داخلی و بین المللی با سیاست های اخوان بروز داد. همچنین پناه دادن و میزبانی از اخوانی ها به قطر اجازه داد تا موقعیت منطقه ای خود را تحکیم کند. ایدئولوژی اخوان بسیار گسترده تر از تفکر وهابیت بود. از نظر عمل گرایانه، قطری که موقعیتی در سطح بین المللی و حتی نماینده ای در اجلاس های جهانی مسلمین نداشت، با میزبانی از اخوان، این امکان را به دست آورد تا خود را به عنوان سخنگوی اصلی این جریان معرفی نماید، اخوانی هایی که آشوبگران بنام آن زمان بودند.

حمایت از اخوان و اعطای کمک های مالی به اجلاس های جهانی مسلمین و بعدها، گسترش ایدئولوژی اخوان از طریق الجزیره، جایگاه مهمی برای قطر در مسائل اساسی جهان اسلام و منطقه ایجاد کرد و در نهایت، بهار عربی سر رسید و مشخص شد که شماری از افرادی که قطر در طول دهه ها پروراند به او و به آنان پناه داده بود، ابزاری مفید برای نفوذ قطر در سراسر منطقه بوده اند (Roberts, 2014).

اخوان از نظر عملی، سازمانی معقول به نظر می رسد که رهبران قطر می توانستند با آن روابط برقرار کنند: روابطی وسیع، توسعه یافته و چند ملیتی. به این مطلب این واقعیت را می توان اضافه کرد که نخبگان قطر - بر خلاف بسیاری در منطقه - اخوان المسلمین را سازمانی کاملاً منطقی برای تعامل می بینند. اما در جهان پس از بهار عربی، طیف گروه هایی که توسط برخی از کشورهای کلیدی خوشایند تلقی می شوند، به طور قطعی تغییر کرده است. در نتیجه، ارتباطات اسلام گرای قطر در حالی که در دهه های اخیر برای اکثر کشورهای عربی کاملاً عادی بوده، به عنوان امری بیگانه مورد مذمت قرار گرفته است (Roberts, 2019: 1).

- سیاست خارجی به مثابه ابزاری برای بسط قدرت نرم

قطر اغلب به عنوان تولید کننده، پرورش دهنده، و به کار گیرنده نوعی قدرت نرم از طریق منابع مالی خود و از طریق ارتباطات سیاست خارجی توصیف شده است (Brannagan & Giulianotti, 2018: ۱۱۳۹-۱۱۴۳). به ویژه، پیوندهایی که به طور تلویحی یا صریح بین قطر و افراد و گروه های طیف اسلام گرا در لیبی، تونس، مصر، موریتانی، مالی، سوریه، اسرائیل و فلسطین، عربستان سعودی، بحرین، عراق، افغانستان، و امارات ایجاد شده است (Dichinson, 2013).

پیامدهای رویکرد اخوانی در سیاست خارجی قطر

قطر اغلب - به طور قطع توسط همسایگان خود در خلیج فارس و به ویژه پس از بهار عربی - به عنوان کشوری یاد می‌شود که دستور کار «اسلام‌گرایانه» را در قلب سیاست خارجی خود در دستور کار دارد (Hassan, 2017). با توجه به اینکه دولت قطر مدت‌هاست روابط نهادی و شخصی را روابط خود در سطح نخبگانی و شیوه‌های اساسی کار با بازیگرانی مانند حماس در فلسطین، جبهه النصره در سوریه، طالبان در افغانستان، حوثی‌ها در یمن و دولت اخوان المسلمین مصر در دوره رئیس‌جمهور سابق مصر، محمد مرسی، توسعه داده، این موضوع چندان تعجب‌آور نیست (Roberts, 2017: 128-135). با این وصف، کنش سیاست خارجی قطر واجد تأثیرات و پیامدهایی در نظم و امنیت منطقه‌ای بوده و الگوهایی از همگرایی و یا تعارض را پدید آورده است که در ادامه به برخی از مهم‌ترین این پیامدها اشاره می‌شود:

- سرایت‌شوندگی الگوی اسلام‌گرایی اخوانی منطبق بر تجربه قطری

یکی از مهم‌ترین پیامدهای سیاست خارجی اخوانی، تکثیر الگوی اخوانی در دیگر کشورهای عربی و اسلامی است؛ به طوری که تعامل قطر با اسلام‌گرایان از طریق کانال‌های رسمی و غیر رسمی انجام می‌شود و هر کدام دیگری را تقویت می‌کند. در لیبی، قطر هواپیماهای جت سریع خود را به عنوان بخشی از محافظ متحد عملیات ناتو مستقر کرد تا در عملیات گسترده‌تر مشارکت داشته باشد و پوشش سیاسی ارائه دهد؛ با این حال، اگرچه اسماً برای محافظت از غیر نظامیان این اقدام صورت پذیرفت، اما در نهایت به سرنگونی رئیس‌جمهور سابق، معمر القذافی منجر شد. با این حال، پیوندهای غیر رسمی در ارتباط قطر با اسلام‌گرایان در لیبی که به دنبال تخمیر انقلاب بودند، بسیار مهم بود. علی الصلابی، یک تبعیدی لیبیایی مقیم دوحه، به مجرای اصلی انتقال پول و تسلیحات به گروه‌های اسلام‌گرا در بنغازی تبدیل شد. صلابی برای برادرش، اسماعیل الصلابی و رهبر اصلاح طلب سابق القاعده، عبدالکریم بلحاج، حمایت مالی فرستاد. این پیوندها مورد مناقشه نیستند و حمایت قطر در حمایت از طرف آنها در درگیری‌های داخلی سراسری در مبارزه علیه نیروهای ملی‌گرا و ضد اسلامی ژنرال خلیفه حفتر و حامیان اماراتی آنها بسیار مهم بود (Coker et al., 2011; Wehrey, 2014).

قطر پس از حمایت جنجالی از رژیم شکست خورده اخوانی محمد مرسی در مصر، «یک اخوانستان کوچک» نامیده شد. علی‌رغم گمانه‌زنی‌های بین‌المللی در مورد پیوندهایش با اخوان المسلمین، با این حال، تا جایی که قطر یک هدف اصلی سیاست خارجی دارد، ترویج چیزی است که آنها «عناصر

قدرت» ملت عرب می‌نامند، این دیدگاه آنها است - یعنی اسلام‌گرایان و ملی‌گرایان عرب. ملی‌گرایان قطری فکر می‌کنند که مسئولیتی تاریخی برای تقویت این عناصر در جوامع عربی دارند، لذا با تغییر تاکتیک‌ها، چشم‌انداز وسیعی را در برابر خود به وجود آورده‌اند. در همین راستا، شیخ تمیم، امیر کنونی قطر، در یک مقاله‌ای در فوریه ۲۰۱۵ در نیویورک‌تایمز در آستانه سفر دولتی خود به ایالات متحده در متنی که با عنوان «پیام قطر به اوباما» منتشر شد، این چنین توضیح داد: «می‌دانم که بسیاری در غرب به اسلام به سان یک تهدید تروریستی نگاه می‌کنند و می‌گویند که مشکل اسلام است، اما به‌عنوان یک مسلمان، می‌توانم به شما بگویم که مشکل اسلام نیست، مشکل ناامیدی است» (Bin Hamad AL- (Thani, 2015).

حاکمان قطر تلاش می‌کنند تا با طرح بحث پیرامون اسلام، خود را مروج دین اسلام معرفی کنند. دولت قطر با تقویت «وضعیت تساهل حداکثری» و پذیرش برخی از اهداف اسلام‌گرایانه، امکان بیان محدود اسلام‌گرایی را در داخل مرزهای خود و از طریق سیاست‌های خود در خارج از کشور فراهم آورد. اتحاد بین اخوان‌المسلمین و قطر در حال تبدیل شدن به عاملی قابل توجه در تغییر شکل خاورمیانه است. احمد جمیل اعظم، استاد مدعو در دانشکده مطالعات آسیایی و خاورمیانه دانشگاه کمبریج (Azem, 2012) معتقد است چهار عامل قابل توجه در این رابطه در حال تحول و عمیق به شرح ذیل وجود دارد:

۱. نخست آن که اخوان به‌سختی در امور داخلی قطر دخالت دارد. این توافق شبیه توافقی است که بین قطر و الجزیره، بزرگ‌ترین شبکه تلویزیونی عربی که در دوحه قرار دارد، انجام می‌شود. این ایستگاه اخبار سراسر جهان عرب را پوشش می‌دهد، اما از پوشش رویدادهای بحث برانگیز در قطر خودداری می‌کند.
۲. دومین نکته مورد توجه در مورد قطر و اخوان این است که این رابطه عمدتاً از طریق روابط شخصی شکل گرفته و حفظ می‌شود که نقشی حیاتی دارد.
۳. نکته سوم این است که قطر چه چیزی برای اخوان‌المسلمین فراهم می‌کند؟ نشانه‌های قوی از کمک رسانه‌ای، آموزش سیاسی و حمایت مالی در این رابطه وجود دارد.
۴. چهارمین عاملی که در درک اتحاد قطر و اخوان کمک می‌کند، این است که قطر چه چیزی را به دست می‌آورد؟ نخست، این رابطه تضمین می‌کند که اسلام‌گرایان از سیاست‌های دولت قطر انتقاد نخواهند کرد و در موضع نقد فعال نخواهند شد. دوم، در

حالی که اسلام‌گرایان در چندین کشور به سمت قدرت می‌روند، قطری‌ها در موقعیتی هستند که انتظار رفتار اقتصادی و سیاسی ویژه‌ای را در هر یک از آنها دارند. ثالثاً، قطر موقعیت خوبی برای میانجی‌گری بین اسلام‌گرایان و رقبای خود و همچنین بین اسلام‌گرایان به طور کلی و غرب خواهد داشت. به‌عنوان مثال، افتتاح دفتر نمایندگی طالبان افغانستان در دوحه و برگزاری مذاکرات طالبان و آمریکا در این کشور و یا تلاش این کشور برای ایفای نقش میانجی میان ایران و آمریکا، به قطر نفوذ بین‌المللی بیشتری می‌دهد.

قطر مشتاقانه دولت وقت محمد مرسی را با ده‌ها میلیارد دلار سرمایه‌گذاری، وام‌هایی برای تقویت بانک مرکزی و ارسال تانک‌های رایگان گاز طبیعی مایع مورد حمایت خود قرار داد. به طریق دیگر، دولت مرسی از پوشش خبری بیست و چهار ساعته شبکه خبری الجزیره که به طور مستقیم از قاهره پخش می‌شد به‌عنوان راهی نه فقط برای تبلیغ انقلاب، بلکه برای تقویت جایگاه الجزیره بهره‌مند شد. برای مدت‌هاست ده‌ها هزار مصری ساکن دوحه هستند که بسیاری از آنها نقش مهمی در سازمان‌های نو پای قطری بر عهده داشتند (Roberts, 2014: 23-26). بخش کوچکی از این افراد، کارمندان ارشد یا اعضای سرشناس اخوان‌المسلمین بودند که در پایان سال ۲۰۱۴ پس از آنکه سه کشور امارات، بحرین و عربستان سعودی سفرای خود را در اعتراض به سیاست خارجی قطر فراخواندند، مجبور به ترک این کشور شدند تا بهای بازگرداندن روابط قطر با سه همسایه خود در خلیج فارس باشد. این فهرست شامل محمود حسین (دبیرکل اخوان‌المسلمین)، عمرو دراج (وزیر سابق کابینه اخوان‌المسلمین در دولت محمد مرسی در مصر و دبیرکل حزب آزادی و عدالت در استان الجیزه مصر)، وجدی عبدالحمید محمد غنیم (یک واعظ اسلام‌گرای مشهور)، عصام تلیمه (مدیر دفتر سابق یوسف القرضاوی) و حمزه زوبع (سخنگوی حزب آزادی و عدالت)، جمال عبدالستار (استاد برجسته الازهر و رهبر حزب اتحاد ملی)، و اشرف بدرالدین (از رهبران اخوان‌المسلمین که پس از کودتای سیسی از مصر فرار کرد) می‌شود (Roberts, 2015: 27-28).

نقش قطر در طول بهار عربی سوریه همیشه ترکیبی بود. دوحه میزبان ده‌ها کنفرانس سیاسی از سال ۲۰۱۱ به بعد بود که به دنبال ادغام نیروهای اپوزیسیون بودند که بسیاری از آنها از دریافت‌کنندگان مالی قطر بودند و بیشتر آنها در طیف اسلام‌گرا بودند. در همین حال، قطر و متحدان ترکیه‌ای آن در سال‌های ۲۰۱۱، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ به طور آشکاری به‌عنوان حامی طیفی از نیروهای شبه نظامی از ارتش

آزاد سوریه تا گروه‌های افراط‌گرای اسلامی همچون جبهه‌النصره برجسته بودند. این نوع از روابط باعث شد قطر به عنوان دولتی که نزاع‌ها را تشدید می‌کند و مایل به حمایت از گروه‌های افراطی اگر نگوییم مشتاق است، شهرت داشته باشد (Ulrichsen, 2014: 131-144). البته، قطر تنها دولتی نبود که با چنین بازیگرانی که اغلب در طیف اسلام‌گرایان دیده می‌شد، درگیر بود. عربستان سعودی و ترکیه، به‌ویژه، چنین ترتیبات خاص خود را داشتند و برای وابستگی قطر به گروه‌هایی مانند جبهه‌النصره، توضیحات مبتکرانه و عمل‌گرایانه‌تری وجود دارد (Roberts, 2015). اما به‌عنوان نمونه دیگری از تمایل ظاهری قطر به تعامل با این گروه‌ها، اقدامات این کشور در لیبی و سوریه نمونه دیگری از آسیب‌شناسی رفتار این کشور در تعامل و حمایت مداوم با اسلام‌گرایان است.

در همین حال، سیاست‌های قطر در فلسطین، یک رابطه طولانی و مستند بین دولت قطر و حماس، به‌عنوان یک سازمان اسلام‌گرای مستقر در غزه که توسط ایالات متحده، اتحادیه اروپا و کانادا به‌عنوان یک گروه تروریستی شناخته می‌شود، وجود دارد. بر اساس گزارش‌های اسرائیل، قطر از سال ۲۰۱۲ تا کنون یک میلیارد دلار به حماس کمک کرده است که معمولاً برای پرداخت کمک‌ها، سوخت و حقوق کارکنان دولتی به غزه کمک می‌کند، در حالی که نخبگان قطر و حماس به طور مرتب با یکدیگر ملاقات می‌کنند (Cooper & Momani, 2011: 121-125; Kubovich, 2019).

- ایجاد اجماع عربی برای محدودسازی کنش سیاست خارجی قطر

یکی دیگر از پیامدهای اتخاذ سیاست خارجی تحت تأثیر رویکرد اخوان، به انزوا کشانده شدن قطر در محیط کنش عربی است، به طوری که زمانی که قطر در مورد تمایل خود برای میزبانی از دفتر طالبان در دوحه سخن گفت، این امر به روایتی در مورد تمایل به ظاهر همیشگی قطر برای میزبانی یا حمایت از گروه‌های متخاصم در طیف اسلام‌گرا تبدیل شد. اقدامات آشکار حمایت‌گرایانه اسلام‌خواهانه قطر علیه رهبران وضع موجود در طول بهار عربی، بیش از شکستن یک تابو منطقه‌ای بود. پیامد چنین رویکردی آن بود که ابتدا در سال ۲۰۱۴، عربستان سعودی، بحرین و امارات - بدون هیچ‌گونه هشدار آشکار - سفیران خود را از دوحه خارج کردند تا تمیم بن حمد آل ثانی، امیر جدید را مجبور به کناره‌گیری از چنین سیاست‌های چالش برانگیزی کنند (Roberts, 2017). اگرچه قطر امتیازاتی از جمله اخراج چند کارمند اخوان از دوحه و بستن شبکه خبری مصری ۲۴ ساعته الجزیره را داد، اما هیچ‌یک از طرفین راضی نبودند. در اوایل، به نظر می‌رسید که اختلاف نظر بین قطر و امارات متحده عربی بسیار بیشتر است، در حالی که بحرین به طور کلی بی‌ربط بود و عربستان سعودی تحت رهبری ملک عبدالله،

وحدت پادشاهی خلیج فارس را به فشار بر قطر برای گرفتن امتیاز اولویت می‌داد. با این حال، با درگذشت ملک عبدالله در سال ۲۰۱۵ و به قدرت رسیدن ملک سلمان و فرزندش، محمد بن سلمان در مقام ولی عهد این کشور، اولویت دادن به وحدت خلیج فارس به یک باره نابهنگام شد و با محاصره قطر در ژوئن ۲۰۱۷ بار دیگر زمینه تعارض فی ما بین فراهم شد. قطر بار دیگر به حمایت از اسلام سیاسی و نیروهای افراطی در منطقه به ضرر کشورهای دور و نزدیک متهم شد (Roberts, 2017). قطر چنین اتهاماتی را رد کرد، نه حداقل با این استدلال که سیاست‌هایش به ندرت با رویکردهای دیگر رژیم‌های پادشاهی نسبت به اسلام‌گرایان منطقه تفاوت دارد، اما محاصره همچنان پابرجاست.

- بازخیزش گروه‌های رادیکال اسلام‌گرا

یکی دیگر از پیامدهای سیاست خارجی اخوانی قطر، در زمینه امکان بازخیزش جریان‌های جهادی در منطقه است. در عربستان سعودی علاوه بر هماهنگی قوی سیاسی و امنیتی با امارات علی‌ه اخوان المسلمین، شرط‌بندی واضحی بر روی برگ برنده وجود دارد که همان برگه سلفی است که در برخی از کشورهای بهار عربی مشخص شده است به‌ویژه در تونس و مصر. حتی اگر قطر حامی انقلاب‌های بهار عربی باشد، ریاض تا حدودی با جریان‌های سلفی که در سمت راست اخوان المسلمین وجود دارند، از طریق کمک مالی و حمایت‌های مالی گسترده، رابطه قوی برقرار کرده است. با این حال، عربستان سعودی اکنون در حمایت از سلفی‌ها محتاط است، به این دلیل که آنها می‌توانند در مقطعی با اخوان المسلمین متحد شوند، سناریویی که در مصر در حال طراحی است. همچنین جریان‌های سلفی که در ابتدا به وجود می‌آیند، جنبش‌های حمایتی هستند که بعداً می‌توانند به جریان‌های سلفی جهادی تبدیل شوند، مثلاً آنچه در مراکش و تونس اتفاق افتاد (فجری، ۲۰۱۳).

بحث و نتیجه

این پژوهش تلاشی بود برای ارائه پاسخ به این پرسش که کنش سیاست خارجی قطر چگونه از گفتمان اسلام‌گرایی اخوانی تأثیر پذیرفته است؟ یافته‌های پژوهشگر حکایت از آن دارد که اساساً حمایت دولت قطر از شاخه‌های اخوان، حمایتی غیر رسمی و در عین حال پیچیده است و این حمایت به شکل روابط شخصی شده‌ای است که از طریق پیوندهای اجتماعی تقویت می‌شود و از طریق اعضای عالی رتبه کابینه و اخوان، تا هر استراتژی نهادهای شده دیگر، اعمال می‌شود. با تصمیماتی که توسط افراد بسیار معدود در رأس دولت اتخاذ می‌شود، فقدان ظرفیت نهادهای شده در این زمینه را شاهد هستیم که این

مسئله نشان می‌دهد که تمایل به اخوان در سیاست خارجی، به دلیل گرایش ایدئولوژیک یا پیوند ساختاری نیست و در واقع ممکن است بسته به شخص تغییر کند.

بر این اساس، حمایت دولت قطر از جنبش‌های اخوان‌المسلمین در خارج از کشور، جدا از اینکه بسیار شخصی است، در صدد گسترش یک ایدئولوژی خاص، به منظور پیشبرد نفوذ این کشور در سطح جهانی می‌باشد. اگر گروهی واقعاً برنامه‌ای اسلام‌گرایانه داشته باشند و همچنین از حمایت مردمی نیز برخوردار باشند، دولت قطر از روابط خود با چنین گروه‌هایی برای تأثیرگذاری بر سیاست داخلی استفاده می‌کند؛ در نتیجه، پراگماتیسم بر ایدئولوژی چیره می‌شود؛ لذا می‌توان چنین استنتاج کرد که نشانه‌های اسلام‌گرایی اخوانی در کنش سیاست خارجی دولت قطر در سطح بین‌المللی نه به دلیل تعهد ایدئولوژیک، بلکه بر اساس ارزیابی عمل‌گرایانه از نحوه عملکرد منطقه شکل می‌گیرد. از همین رو، تمایل قطر به تعامل با اخوان‌المسلمین برای تقویت جایگاه بین‌المللی‌اش، و نیز تمایل رهبری آن برای متمایز کردن خود از عربستان سعودی است. این امر به‌ویژه برای امیر پیشین قطر، شیخ حمد مهم بود، زیرا سعودی‌ها از کودتا علیه او در سال ۱۹۹۶ حمایت کردند. حمایت از اخوان‌المسلمین، یا حداقل سرکوب نکردن آن، راهی بود برای متمایز کردن خود از پادشاهی عربستان و در واقع، اتخاذ راهبردی در چیزی شبیه به «دشمن» دشمن من، دوست من است، بود. در حالی که قطر اخوان‌المسلمین را یک بازیگر مهم منطقه‌ای می‌داند، «عربستان سعودی به طور سنتی، اخوان‌المسلمین را یک گروه اسلام‌گرا با جاه‌طلبی‌های سیاسی، به‌عنوان یک رقیب سیاسی بالقوه می‌بیند و بنابراین در برخورد با این گروه محتاط بوده است» (Khatib, 2013: 424).

این ارزیابی عمل‌گرایانه زمانی اهمیتی ویژه می‌یابد که این نکته را مورد امعان نظر قرار دهیم که عربستان سعودی و امارات از سیاست آمریکا دور نیستند، زیرا همگی از جهت‌گیری‌های سیاسی و استراتژیک آمریکا پیروی می‌کنند. چنانچه آمریکا اسلام سیاسی معتدل را تشویق می‌کند و در عین حال نیروهای مخالف را نیز تشویق می‌کند، تا نوعی فشار بر آن ایجاد شود و از تداوم تعادل مورد نیاز، اطمینان حاصل شود.

عامل دیگر در توضیح رابطه قطر با اخوان‌المسلمین، به عنصر انگیزه‌های روانی تأکید دارد. بر این اساس، قطر کشور کوچکی است که به دنبال ایفای نقش‌های بزرگ است که از مرزهایش فراتر می‌رود و از طریق مصر و مالی به مغرب دور می‌رسد. تفاوت در برخورد کشورهای عربی خلیج فارس با جنبش اخوان‌المسلمین نمود آشکار خود را در موقعیت اشغال شده توسط این جنبش در قطر، عربستان سعودی

و امارات می‌یابد. در شرایطی که قطر به دنبال تبدیل شدن به پایتخت اخوان‌المسلمین در جهان است، جایی که مقر اصلی، سخنگوی رسمی و رهبر معنوی است، امارات کارزار گسترده‌ای را برای تحریک کشورهای منطقه به سازماندهی و هماهنگی کمپین‌های امنیتی علیه آن به راه انداخته است. حمایت قطر از اخوان‌المسلمین حمایتی آشکار و علنی است که مستلزم همراهی اخوان‌المسلمین تا پیروزی در انتخابات در کشورهایی است که به صندوق‌های رأی به‌عنوان پایگاهی برای مشورت در مورد حکومت تکیه می‌کنند، یا از آنها با سلاح در کشورهایی حمایت می‌کند که تغییر رژیم مستلزم اقدام نظامی قاطع است، مشابه آنچه در لیبی و در سوریه اتفاق افتاد.

با این همه چنانچه اشاره نیز شد حمایت قطر از اخوان یک حمایت ایدئولوژیک نیست و نمی‌توان رفتار سیاست خارجی و حتی کنش سیاست داخلی آن را امری منطبق بر تعالیم و هنجارهای اسلام‌گرایانه با قرائت اخوانی دانست؛ لذا می‌بایست میان استفاده ابزارگرایانه و استراتژیک از اخوان به‌عنوان ابزار سیاست خارجی را با آنچه ماهیت ایدئولوژیک و هویت‌گرایانه سیاست خارجی قطر دانسته می‌شود، تمایز قائل شد، چرا که قطر سیاست خارجی بسیار پیچیده و چند لایه‌ای را دنبال می‌کند و نگاه ابزارگرایانه تدبیر پردازان و مجریان سیاست خارجی این کشور به اسلام‌گرایی اخوانی نیز در همین چارچوب قابل تفسیر است. به‌عنوان مثال، میزبانی جام جهانی ۲۰۲۲ به‌عنوان یکی از اولویت‌های سیاست خارجی قطر، الزاماتی فراتر از تمهید زیرساخت‌های ورزشی را ایجاب می‌نماید که طبعاً این الزامات در حوزه مباحث فرهنگی و اجتماعی در بیشتر موارد نمی‌تواند با ارزش‌های اسلام‌خواهانه و فقه‌ای اخوانیسم همخوانی داشته باشد. همچنین رابطه قطر با ایالات متحده، چه در مقام میزبانی از بخشی از ارتش آمریکا و در اختیار گذاشتن بزرگ‌ترین پایگاه ایالات متحده در خارج از این کشور در خاک خود و نیز این واقعیت که ارتش قطر به‌شدت از ناحیه ایالات متحده تأمین می‌شود، را نمی‌توان نادیده انگاشت. همچنین حضور عمیق و فراگیر ایالات متحده در قطر - دانشگاه‌های ایالات متحده، شرکت‌های آمریکایی، ارتش ایالات متحده، محتوای فرهنگی ایالات متحده، دیپلماسی ایالات متحده و غیره - را نمی‌توان بر مبنای تأثیرگذاری اخوانی بر عرصه سیاست خارجی این کشور توضیح داد. همچنین در حوزه ارتباط قطر با اسرائیل نیز این مسئله صادق است. اقدام متقابل نسبت به تأسیس یک دفتر ارتباطی در تل‌آویو و یک دفتر ارتباطی اسرائیلی در دوحه نیز نشان از بازی پیچیده قطر در عرصه سیاست خارجی دارد.

لذا نمی‌توان برای اخوان در محاسبات سیاست خارجی قطر، جایگاه بازیگری قاعده‌ساز قائل شد، امری که حتی در مهم‌ترین نمود اخوانی در حوزه کنش سیاست خارجی یعنی شبکه الجزیره نیز صادق است؛ چنانچه سیاست تحریریه و پوشش الجزیره بسته به اهداف سیاست خارجی قطر و تغییر محاسبات استراتژیک این کشور تغییر می‌کند و دائم به عقب و جلو می‌رود.

در مجموع، تسلط گفتمان اخوانی بر کنش سیاست خارجی قطر، موجب شده است تا این کشور از رهگذر حمایت از اسلام‌گرایی اخوانی، خود را در برابر تمنیات سیاسی عربستان سعودی و نیز جاه‌طلبی‌های امارات متحده عربی صیانت را نماید و از سوی دیگر، بتواند خود را به نماینده جدیدی برای اسلام‌گرایی در نظام بین‌المللی ارتقا بخشد تا از طریق سرایت شونده‌گی الگوی اسلام‌گرایی اخوانی، به تقویت قدرت نرم خود دامن بزند. هرچند این الگوی کنش سیاست خارجی واجد تبعات و پیامدهایی نیز برای این کشور و به تبع آن برای نظم و امنیت منطقه‌ای از طریق باز تولید الگوهای رقابت و تخاصم میان کشورهای منطقه شده است. با این حال، منطق کنش سیاست خارجی قطر را می‌توان ترکیبی از عمل‌گرایی و اخوانی‌گرایی در راستای منفعت‌طلبی حاکمان قطر دانست.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۹۱)، «اخوانی‌گرایی و سیاست خارجی قطر در قبال انقلاب‌های عربی ۲۰۱۱»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۵، ۱: صص ۱۴۸-۱۲۷، قابل دسترسی در: http://quarterly.risstudies.org/article_1870.html
- ۲- اختیاری امیری، رضا؛ احمد رشیدی و محمدرضا محمدی (۱۳۹۸)، «تحلیل بهترین انتخاب سیاست خارجی قطر در قبال ایران و عربستان سعودی در چارچوب نظریه بازی‌ها»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۹، ۳: صص ۳۳-۱، قابل دسترسی در: <http://priw.ir/article-1-840-fa.html>
- ۳- حیدری، مهدیه (۱۳۹۹)، «بررسی روابط خارجی ایران و قطر پس از پیروزی انقلاب اسلامی»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، دوره ۲۷، شماره ۱، پیاپی ۹۹: صص ۸۴-۵۷.
- ۴- دانشور، صادق؛ عباس صالحی و قاسم ترابی (۱۴۰۰)، «تأثیرات گفتمان اخوانی قطر بر تحولات جهان عرب طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۴، ۲: صص ۱۵۰-۱۳۷، قابل دسترسی در: <https://elmnet.ir/article/2470594-81351>
- ۵- سرخیل، بهنام (۱۳۹۵)، «تطور در دیپلماسی در قطر: از بی‌طرفی محافظه‌کارانه تا نفوذ هوشمند»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۲، ۳۵: صص ۱۵۶-۱۲۷، قابل دسترسی در: http://psq.kiau.ac.ir/article_528655.html
- ۶- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۷)، «تأملی بر تکنیک ردیابی فرایند در مطالعات انقلاب اسلامی ایران»، پژوهش‌نامه متین، ۱۰، ۴۰: صص ۹۱-۱۱۷، قابل دسترسی در: http://matin.ri-khomeini.ac.ir/article_64967.html

۷- فوزی، یحیی (۱۳۸۹)، «گونه‌شناسی فکری جنبش‌های اسلامی معاصر و پیامدهای سیاسی - امنیتی آن در جهان اسلام»، مطالعات راهبردی، ۱۳ (۴)، صص ۱۵۳-۱۷۳.

منابع غیرفارسی

۱- الصنایبی، عبد الحق (۲۰۲۰)، «هكذا ثبت الإخوان المسلمون اقدامهم في قطر»، حفريات، يوجد في: hafryat.com/ar/blog هكذا-ثبت-الاخوان-المسلمون-اقدامهم-في-قطر

۲- فجرى، سفیان (۲۰۱۳)، «كيف أصبح الإخوان الحليف الاول لقطر و الخصم الاكبر للسعودية و الامارت؟»، فرانس ۲۴، يوجد في: <https://www.france24.com/ar/201302145>

۳- Abdel Errahim, Ali. (2017) "Le Qatar et les Frères Musulmans: Des Relations Anciennes et Permanentes," Available at: <http://www.afrique-asie.fr/le-qatar-et-les-freres-musulmans-des-relations-anciennes-et-permanentes/>

۴- Al-Nafisi, Abdollah. (2007, March 12) "Al-Hala al-Islamia fi Qatar" [The Islamic Situation in Qatar], Islam Today. Available at: <http://www.islamtoday.net/bohooth/artshow-19-8828.htm>

۵- Ashur, Mostafa. (2011) "Tajribat Al-Ikhwan Al-Muslimin fi Qatar": [The Experience of the Brotherhood in Qatar], in Al-Ikhwan Al-Muslimin wa-l-Salafiyyan fi Al-Khalij [The Muslim Brotherhood and Salafis in the Gulf], ed. Al-mesbar Studies and Research Center, Dubai, UAE: Al-Mesbar Studies and Research Center

۶- Azem, Ahmed. (2012) "Qatar's Ties with the Muslim Brotherhood Affect Entire Region," The National. Available at: <https://www.thenationalnews.com/qatar-s-ties-with-the-muslim-brotherhood-affect-entire-region-1.408742>

۷- Bin Hamad Al-Thani, Tamim. (2015< February 24) "Qatar's Message to Obama," The New York Times. Available at: <https://www.nytimes.com/2015/02/24/opinion/qatars-message-to-obama.html>

۸- Brannagan, Paul Michael; and Giulianotti, Richard. (2018) 'The Soft Power-Soft Disempowerment Nexus: The Case of Qatar,' International Affairs, 94(5): 1139-43. Available at: <https://academic.oup.com/ia/article/94/5/1139/5092085>

۹- Coker, Margaret; Dagher, Sam; Levinson, Charles. (2011) "Tiny Kingdom's Huge Role in Libya Draws Concern," The Wall Street Journal, October 17, 2011. Available at: <http://online.wsj.com/article/SB10001424052970204002304576627000922764650.html>

۱۰- Cooper, Andrew; and Momani, Bessma. (2011) "Qatar and Expanded Contours of Small State Diplomacy," The International Spectator, 46(3): 121-25. Available at: <https://doi.org/10.1080/03932729.2011.576181>.

۱۱- Del Valle, Alexandre. (2016) "Le Qatar du Soft Power et de L'appui aux Frères Musulmans au Financement du Djihadisme," Atlantico. Available at: <https://www.atlantico.fr/article/rdv/le-qatar-du-soft-power-et-de-l-appui-aux-freres-musulmans-au-financement-du-djihadisme-geopolitico-scanner-alexandre-del-valle>

۱۲- Dettmer, Jamie. (2015) "Qatar's a U.S. Ally Against ISIS, so why's It Cheerleading the Bad Guys?," The Daily Beast. Available at: <https://www.thedailybeast.com/qatars-a-us-ally-against-isis-so-whys-it-cheerleading-the-bad-guys>

۱۳- Dettmer, Jamie. (2015) "Qatar's Foundation for Hypocrisy", Daily Beast. Available at: <https://www.thedailybeast.com/qatars-foundation-for-hypocrisy>

۱۴- George, Alexander. L. and Timothy J. McKeown. (1985) "Case Studies and Theories of Organizational Decision Making", Advances in Information Processing in Organizations, ۲(۱): ۵۸-۲۱.

- ۱۵- George, Alexander. L.; and Andrew Bennett (2005) *Case Studies and Theory Development in the Social Sciences*, Cambridge, MA: MIT Press.
- ۱۶- Gräf, Bettina. (2007) "Sheikh Yūsuf al-Qarāḍāwī in Cyberspace," *Die Welt des Islams*, 47(3/4), 403–421. Available at: <http://www.jstor.org/stable/20140785>
- ۱۷- Hassan, Hassan. (2017) "Qatar's Troubles Are Rooted in Its Support for Islamists," *The National*, May 30, 2017. Available at: <https://www.thenational.ae/opinion/qatar-s-troubles-are-rooted-in-its-support-for-islamists-1.45881>
- ۱۸- Khatib, Lina. (2013) "Qatar Foreign Policy: The Limits of Pragmatism", *International Affairs*, 89(2): 417-431. Available at: https://fsi-live.s3.us-west-1.amazonaws.com/s3fs-public/INTA89_2_10_Khatib.pdf
- ۱۹- Kubovich, Yaniv. (2019) "With Israel's Consent, Qatar Gave Gaza \$1 Billion Since 2020," *Haaretz*, February 10, 2019. Available at: <https://www.haaretz.com/middle-east-news/palestinians/.premium-with-israel-s-consent-qatar-gave-gaza-1-billion-since-2012-1.6917856>
- ۲۰- Roberts, David B. (2014) "Qatar and the Brotherhood," *Survival*, 56(4): 23-26.
- ۲۱- Roberts, David B. (2014) "Qatar and the Brotherhood", *Survival*. Available at: <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/00396338.2014.941557>
- ۲۲- Roberts, David B. (2014) "Qatar and the Muslim Brotherhood: Pragmatism or Preference?", *Middle East Policy*: Available at: <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/full/10.1111/mepo.12084>
- ۲۳- Roberts, David B. (2015) "Is Qatar Bringing the Nusra Front in from the Cold?" *BBC*, March ۶. Available at: <http://www.bbc.co.uk/news/world-middle-east-۳۱۷۶۴۱۱۴>.
- ۲۴- Roberts, David B. (2015) "Qatar's Strained Gulf Relationships," *The New Politics of Interventions of Gulf Arab States (LSE; Middle East Centre)*, Collected Papers, Vol. 1: 27-۲۸.
- ۲۵- Roberts, David B. (2017) "A Dustup in the Gulf," *Foreign Affairs*, June 13. Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/2017-06-13/dustup-gulf>.
- ۲۶- Roberts, David B. (2017) *Qatar: Securing the Global Ambitions of a City State*. London: Hurst & Co.
- ۲۷- Roberts, David B. (2019) "Reflecting on Qatar's Islamist Soft Power," *Berkley Center for Religion, Peace and World Affairs*. Available at: https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2019/04/FP_20190408_qatar_roberts.pdf
- ۲۸- Ulrichsen, Kristian Coates. (2014) *Qatar and the Arab Spring*. London: Hurst & Company.
- ۲۹- United States Trade Representative (2021). "2021 National Trade Estimate Report on Foreign Trade Barriers", available at: <https://ustr.gov/sites/default/files/files/reports/2021/2021NTE.pdf>
- ۳۰- Wehrey, Feredric. (2014) "Is Libya a Proxy War?" *The Washington Post*, October 24, 2014. Available at: <http://www.washingtonpost.com/blogs/monkey-age/wp/2014/10/24/is-libya-aproxy-war/>